



RESEARCH ARTICLE

## Analyzing the Casual Factors of the Crisis in the Water Policies of Zayandeh-Rud River Basin; Case Study of Western Cities of Isfahan Province

**Esmael Zakeri Mahabadi<sup>1</sup>, Mohammad Reza Yazdani Zazerani<sup>2\*</sup>, Hannaneh Mohammadi Kangarani<sup>3</sup>**

1- Ph.D Student of Public Policy, Faculty of Humanities & Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2- Assistant Professor of Political Science Department, Faculty of Humanities & Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3- Associate professor of Forestry Department, Faculty of Forest Science, Gorgan University of Agricultural Sciences & Natural Resources, Gorgan, Iran

\*Corresponding Author's Email: [Yazdani.mrz@khuaisf.ac.ir](mailto:Yazdani.mrz@khuaisf.ac.ir)



<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.85909>

Received: 14 July 2021  
Accepted: 26 December 2021

### ABSTRACT

Water resources management in the Central Plateau of Iran & Zay&eh-Rud River basin, as the only permanent river of this plateau, has faced serious challenges which has challenged the lives & livelihoods of most residents & beneficiaries. The aim of this study was to identify & explain the causes of the crisis in the Water Policies of Zay&eh-Rud River Basin from the perspective of beneficiaries in the western townships of Isfahan province. The research method of the study was qualitative type & by the Thematic analysis approach. In this study, data were collected through in-depth & semi-structured interviews & have been done with 51 beneficiaries in Falavarjan, Mobarakeh, Shahin Shahr & Maymeh, Khomeini Shahr, Lenjan, Chadegan, Fereydunshahr, Fereidan & Buin cities. In this study, first 195 causes announced by the participants were investigated & after removing similarities & repetitions, they were counted in the form of 76 basic concepts & analysed relying on the data encoding process in the Thematic analysis, in the open laying stage, were obtained 15 main concepts from these concepts. The findings of this study indicate that the concept (core) of the nucleus, which is the cause of the water crisis in these cities, has emerged under the influence of four categories of political, legal, climatic & ethnic-cultural causes.

**Keywords:** Public Policy, Zay&eh-Rud River Basin, Water Governance, Thematic analysis, Western Townships of Isfahan Province.





## مقاله پژوهشی

بررسی علل بحران در سیاست‌های آب حوضه زاینده‌رود؛ مورد مطالعه شهرستان‌های غربی استان اصفهان

اسماعیل ذاکری مهابادی<sup>۱</sup>، محمدرضا یزدانی زازرانی<sup>۲\*</sup>، حنا محمدی کنگرانی<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
- ۲- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
- ۳- دانشیار گروه جنگلداری، دانشکده علوم جنگل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

\* رایانامه نویسنده مسئول: Yazdani.mrz@khuaisf.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2022.85909>

تاریخ دریافت: ۲۳ تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۵ دی ۱۴۰۰

## چکیده

مدیریت منابع آب در فلات مرکزی ایران و حوضه آبریز زاینده‌رود به‌عنوان تنها رودخانه دائمی این فلات، با چالش‌های جدی مواجه شده که زندگی و معیشت بخش زیادی از ساکنین و بهره‌برداران را با دشواری مواجه نموده است. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی و تبیین عوامل موثر بر بروز بحران در حوضه آبریز زاینده‌رود از منظر ذی‌نفعان شهرستان‌های غربی استان اصفهان انجام شده است. این پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختارمند با ۵۱ نفر از ذی‌نفعان در شهرستان‌های غربی استان براساس روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. در تجزیه و تحلیل مضمون‌ها، ۱۵ مفهوم اولیه و سپس ۴ مقوله اصلی که بیان‌گر مقوله هسته هستند، استخراج گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مفهوم هسته که شکل‌گیری بحران آب در شهرستان‌های مذکور می‌باشد، تحت تاثیر چهار دسته از علل سیاسی، قانونی، اقلیمی و قومی- فرهنگی بروز یافته است.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، حوضه آبریز زاینده‌رود، حکمرانی آب، ذینفعان، شهرستان‌های غربی استان اصفهان.

## مقدمه

آب به عنوان ضروری‌ترین ماده حیات بخش اکوسیستم‌ها، پیش شرط هرگونه رفاه و اساساً زندگی موجودات محسوب می‌گردد. امروزه پژوهشگران آب و حتی سیاستمداران کشورهای مختلف جهان از گمان به یقین رسیده‌اند که نحوه استفاده از منابع آب و چگونگی تقسیم آن یکی از عوامل بروز جنگ‌ها در اقصی نقاط جهان خواهد بود. لذا باید از ورود پژوهش‌های اجتماعی به عرصه‌های اجرایی به منظور پاسخ به این سوال استقبال نمود که به راستی علت یا علل بروز این بحران چیست؟ تا از این طریق بتوان در گام بعد به راهکار حل آن پرداخت. برخی از کارشناسان دلایلی از قبیل بهره‌برداری بی‌رویه، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، افزایش جمعیت و غیره را مطرح می‌نمایند؛ اما در واقع حتی اگر کاهش نزولات جوی را به عنوان یک علت در نظر نگیریم (علی‌رغم نظریاتی که آن را معلول افزایش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین می‌داند)، می‌توان گفت تمام موارد مذکور، خود به نوعی معلول بوده و با مدیریت صحیح قابل کنترل می‌باشند. علاوه بر این برخی صاحب‌نظران با ایجاد ارتباط بین کمبود منابع آب شیرین و تهدید امنیت ملی بویژه در منطقه خاورمیانه که در زمینه مدیریت آب و نزولات جوی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد، معتقدند، کمبود منابع آب شیرین، تنش و تهدید امنیت ملی در کشورهای منطقه خلیج فارس را تشدید کرده است (Sadeghi, 2016: 117). بر اساس گزارش سازمان ملل (FAO, 2018)، ۳۲ کشور تنش آبی بین ۲۵ تا ۷۰ درصد و ۲۲ کشور تنش آبی بالای ۷۰ درصد را تجربه می‌کنند که البته تحت فشار جدی‌تر قرار خواهند گرفت و ۱۵ کشور این فشار آبی را فراتر از ۱۰۰ درصد تجربه می‌کنند که از این تعداد، چهار کشور تنش آبی فراتر از ۱۰۰۰ درصد را تجربه خواهند نمود. بر اساس این گزارش میزان تنش آبی طبق فرمول:

$$\text{Water stress}(\%) = \frac{\text{TFWW}^1}{\text{TRWR}^1 - \text{EFR}^1}$$

(نسبت کل آب شیرین به کل منابع تجدیدپذیر آب شیرین منهای جریان زیست محیطی) محاسبه می‌گردد که بر این اساس ایران در حال حاضر، تنش آبی بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد را تجربه می‌کند (FAO, 2018: xii).

با وجود این که نزدیک به ۷۰ درصد از سطح زمین را آب فراگرفته است، ولی بحران آب در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای واقع در کمربند خشک زمین مثل ایران، روزه‌روز ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. بررسی موضوع مدیریت آب و تاثیر آن بر توسعه پایدار کشورها در چنان درجه‌ای از اهمیت قرار داشته که چندین اجلاس و کنفرانس بین‌المللی از جمله استکهلم (۱۹۷۲)، ماردلیپاتا (۱۹۷۷)، ریودوژانیرو (۱۹۹۲)، کیوتو (۱۹۹۷)، ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، ترکیه (۲۰۰۹)، ماریسی (۲۰۱۲)، وین (۲۰۱۴)، همگی درباره مدیریت آب و توسعه پایدار، تأکیدی بر وجود نگرش ویژه به موضوع مدیریت آب است؛ آن هم به صورت جهانی که در آنها به انحای مختلف، ایجاد ارتباط قوی‌تر و عزم سیاستمداران و تصمیم‌گیران در سازماندهی سامانه‌های مدیریت منابع آب را مورد تأکید قرار داده‌اند (Saman & Moridnejad, 2016: 14). یکی از مناطقی که دچار کمبود شدید آبی است، فلات مرکزی ایران و بویژه حوضه آبریز رودخانه زاینده‌رود است. در حالی که برخی با استناد به کاهش نزولات جوی در تلاش هستند تا ریشه این بحران را در اقلیم خشک اصفهان جستجو نمایند، برخی دیگر با استناد به شواهد تاریخی، معتقدند که مشکل آب در حوضه زاینده‌رود، مشکل جدیدی نیست و پیگیری و مدیریت آن حداقل در دوران صفویه که شیخ بهایی مامور اجرای طرح انتقال آب می‌شود، گویای ثبات شرایط اقلیمی خشک و کم بارش این حوضه بوده است. رودخانه زاینده‌رود به عنوان تنها رودخانه مهم و دائمی در فلات مرکزی ایران، محور توسعه در این منطقه از کشور بوده که بر اثر فشار ناشی از استفاده در بخش‌های کشاورزی، صنایع و شرب، به رودخانه‌ای غیردائم و فصلی تبدیل شده و با تأثیری که بر تالاب گاوخونی داشته، منجر به تشدید کانون گرد و غبار در فلات مرکزی شده است. به باور بسیاری از کارشناسان طی یک دهه گذشته، بی‌آبی بخش اعظم حوضه آبریز زاینده‌رود، خسارت‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی زیادی وارد کرده و آثار جدی این بی‌آبی در حوضه آبریز زاینده‌رود را می‌توان در خشک شدن رودخانه زاینده‌رود و تالاب گاوخونی، کاهش

۱ - سرانه آب ۱۷۰۰ مترمکعب در سال به عنوان شاخص تنش و میزان ۱۰۰۰ مترمکعب آب سرانه در سال به عنوان شاخص کمبود معرفی می‌شود. براین اساس، کشورهایی که سرانه منابع آب سالانه تجدیدپذیر بیش از ۱۷۰۰ مترمکعب دارند، مشکل بحران آب ندارند. کشورهایی که سرانه منابع آب تجدیدپذیر بین ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ مترمکعب دارند، کشورهایی با «تنش آبی» و کشورهایی که سرانه آب تجدیدپذیر کمتر از ۱۰۰۰ مترمکعب در سال دارند، کشورهایی با «کمبود آب» هستند (محمدجانی و یزدانیان ۱۳۹۳). اما استفاده از لفظ «بحران آب» در این پژوهش نشان دهنده شدت گسترش و متضرر شدن تعداد زیادی از کنشگرانی است که نیازمند سیاستگذاری عاجل هستند.

منابع آب زیرزمینی، فرونشست زمین، کاهش کیفیت آب، خسارات جدی به بخش کشاورزی و تخریب اکوسیستم مشاهده نمود. همچنین در سال‌های اخیر با افزایش مصرف آب در بخش شرب و صنعت و نیز انتقال آب به شهرهای خارج از حوضه زاینده‌رود مانند یزد، کاشان، نایین و... و برداشت‌های غیرقانونی که در فواصل پس از خروجی سد زاینده‌رود، صورت گرفته، آب اختصاصی به اراضی کشاورزی کاهش یافته و متعاقب آن، رودخانه نیز تقریباً بصورت مداوم، خشک شده و آب زاینده‌رود و تونل اول کوه‌رنگ که از نظر قانونی متعلق به حقایقه‌داران بود، به مصارفی که حقی از این آب نداشته‌اند، اختصاص یافته است. لذا توزیع عادلانه و پایدار آب در این حوضه، با توجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی، همواره چالشی اساسی بوده و به همین دلیل قواعد تخصیص برای منابع با ارزش آب این حوضه از حدود ۵۰۰ سال پیش توسعه یافته است که به احتمال زیاد، از اولین قواعد شکل گرفته از این نوع در ایران می‌باشد. باید گفت بحران آب در حوضه زاینده‌رود، یکی از مهم‌ترین موضوعات فعلی است که در صورت بی‌توجهی به آن در سایه نبود آینده‌نگری و تدبیر، شاهد بروز مشکلات زیادی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و امنیتی حتی در ابعاد ملی، خواهیم بود. موضوعی که در سایه سیاستگذاری غلط یا عدم قرار گرفتن در دستور کار سیاستگذاری و عدم اجرای سیاست‌های اتخاذ شده و نیز عدم نظارت بر حسن اجرای آنها، موجب خسارت‌های بسیاری بویژه به بهره‌برداران و ذی‌نفعان این حوضه شده است. تمامی این تعاریف مؤید تاثیر مدیریت منابع آب بر طیف گسترده‌ای از موضوعات اجتماعی و لزوم اتخاذ سیاست‌های مناسب در این زمینه می‌باشد که می‌توان راهکار برون رفت از این بحران را در چارچوب اندیشه حکمرانی یافت. حکمرانی به عنوان مجموعه‌ای از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اجرایی، توسعه و مدیریت منابع و ارائه خدمات در سطوح مختلف جامعه را تنظیم خواهد نمود (KabotandJohn, 2017: 16). تنظیم‌گری‌ای که با نگاهی جامع، غیرمحلّی و واقع‌بینانه، قادر به مدیریت و کاهش تنش در حوضه آبریز زاینده‌رود نیز خواهد شد. حکمرانی به دسته‌ای از واقعیات اجتماعی اشاره دارد که در فرایند تعاملات و تصمیم‌گیری‌ها، بازیگرانی که درگیر حل مسئله‌ای جمعی هستند را به سمت خلق، تقویت یا بازتولید نهادها و هنجارهای اجتماعی، رهنمون می‌سازد. لذا هر جامعه‌ای راهکارهای حل تضادها و تصمیم‌گیری خود را توسعه می‌بخشد (Hufty, 2011: 405). مفروض پژوهش حاضر نیز آن است که حفاظت از منابع آب زیرزمینی فرایندی پرتنش است و بیشتر از آنکه یک اقدام فنی به حساب بیاید، نیازمند درگیر شدن با ابعاد اجتماعی و سیاسی است. به همین دلیل، وضعیت مطلوب حکمرانی آب در حوضه زاینده‌رود می‌تواند فراهم بودن شرایط برای موفقیت در اجرای فرایند حفاظت از منابع آب زیرزمینی را رقم زند، زیرا نظام حکمرانی بیانگر ساختار تنظیم‌کننده فرایندهای مدیریتی همچون حفاظت از منابع آب است (Mirnezami & Bagheri, 2017: 32). با توضیحات ارائه شده اما تاثیر این شرایط بر شهرستان‌های غربی استان اصفهان، موضوعی است که کمتر مورد توجه و واکاوی قرار گرفته و این شهرستان‌ها، دلیل عدم بُعد مسافتی که با منابع آب زاینده‌رود دارند، به اشتباه، به عنوان شهرستان‌های فاقد شرایط بحرانی محسوب شده‌اند. به نظر می‌رسد این شرایط در شهرستان‌های غرب استان اصفهان، بدلیل نگاه غیرمنصفانه سیاستگذاران و عدم مشارکت دادن ذی‌نفعان در اتخاذ تصمیم‌ها، منجر به تولید راهکار حل تضادها نشده است. از نگاه کشاورزان و ذی‌نفعان حوضه زاینده‌رود، بویژه ساکنین شهرستان‌های غربی استان اصفهان، سیاست‌ها و مدیریت منابع آبی این حوضه، همواره با تبعیض و ناعدالتی در بهره‌برداری و انتفاع از منابع مذکور، همراه بوده است. برخی از کشاورزان غرب استان اصفهان، با تاکید بر نوع فعالیت‌های کشاورزی در محدوده جغرافیایی مذکور که مبتنی بر تولید محصولات باغی می‌باشد، آسیب ناشی از بحران مدیریت منابع آب در این منطقه که موجب از بین رفتن باغات و درختان چندین ساله شده است را بسیار بیشتر و عمیق‌تر از دیگر نقاط استان، می‌دانند. بررسی علل بروز بحران از منظر کنشگران مذکور با تاکید بر عدم یکپارچگی و همسان‌انگاری کنشگران و با موضوعیت شهرستان‌های غربی استان اصفهان مشتمل بر شهرستان‌های شاهین شهر و میمه، چادگان، فریدن، فریدونشهر، بوئین و میاندشت، فلاورجان، لنجان، مبارکه و خمینی‌شهر، موضوعی است که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. توجه به تفاوت ماهوی نگرش ذی‌نفعان حوضه زاینده‌رود، موضوعی است که می‌تواند از رادیکالیزه شدن تمامی ذی‌نفعان این حوضه در مقابل حاکمیت و دیگر ذی‌نفعان، جلوگیری و آثار و تبعات اجتماعی آن را کنترل نماید. لذا نوشتار حاضر تلاش دارد تا با تکیه بر داده‌های پژوهش، با مفروض داشتن اهمیت حکمرانی در بهبود سیاست‌های این حوزه، علل بروز بحران آب در شهرستان‌های غربی

استان اصفهان، از منظر کنشگران و سیاستگذاران این شهرستان‌ها را شناسایی و مورد واکاوی قرار دهد. سؤال اصلی پژوهش این است که «علل بروز بحران آب زاینده‌رود از دید ذی‌نفعان و کنشگران شهرستان‌های غربی استان اصفهان چیست؟».

## مبانی نظری پژوهش

به‌طور مشخص‌تر حکمرانی دربرگیرنده خیزش فرایندهای نوینی از حکومت‌کردن است که ترکیبی، دارای صلاحیت‌های چندگانه و طرف‌های ذی‌نفع پرشماری است که در یک شبکه با هم کار می‌کنند. در واقع، حکمرانی دگرگونی‌های اخیر در جهان را توصیف می‌کند (Bevir, 2012: 1). در برداشتی کلان مجموعه این عوامل را می‌توان پیامد ضعف نظام سیاستگذاری و عدم توجه به ملاحظات اجتماعی، زیست‌محیطی و غیره در اتخاذ سیاست‌ها و همچنین عدم توجه به ظرفیت‌های اجتماعی به منظور سهیم نمودن واگذاری بخشی از امور به مردم و ایجاد نظام «حکمرانی آب» دانست. در حال حاضر در ادبیات مربوط به مدیریت آب، استفاده از اصطلاح حکمرانی با کاربرد جدید و با هدف فاصله‌گذاری میان فعل حکمرانی<sup>2</sup> از فاعل نوعی آن یعنی حکومت انجام می‌پذیرد. به‌نظر برخی از صاحب‌نظران، حتی ماهیت غیر دموکراتیک حکومت‌ها نیز مانع انجام این کارویژه‌ها نخواهد شد. بر همین اساس فوکویاما معتقد است که «حکمرانی را می‌توان بعنوان توانایی حکومت در وضع و اجرای قوانین و خدمات رسانی، صرف نظر از اینکه آن حکومت دموکراتیک است یا خیر، تعریف نمود» (Fukuyama, 2013: 3). دراین کاربرد، مسئولیت حکمرانی فراتر از حکومت یا دولت مد نظر است تا جایگاه بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی نیز در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به صراحت مشخص و رابطه تکمیلی میان آنها اعتلا پیدا کند. با چنین تأکیدی در مباحث حکمرانی، بر چگونگی تنظیم رابطه دولت با بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی در مسیر ایجاد و کسب اقتدار لازم برای انجام تصمیمات راهبردی جامعه تأکید می‌شود. به عبارتی دیگر پژوهشگران «با تفکیک حوزه‌های مختلف دولت و تمایز میان بخش خصوصی و دولتی و تمایز میان دولت و جامعه‌مدنی، سعی در تغییر ساختار سنتی قدرت و وزن‌دهی بیشتر به نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها دارند» (Yazdani-Zazrani, 2012: 111). باید توجه داشت که حکمرانی جایگزین حکومت نمی‌شود، اما حکومت بعنوان بخشی از حکمرانی، درکنار آن قرار گرفته و این بدان معناست که در تحقیقات سیاستگذاری، باید دولت نیز بعنوان یکی از شکل دهندگان سیاست‌ها و در کنار دیگر بازیگران مطالعه شود (Metz, 2017: 37). پژوهشگران حوزه حکمرانی اساساً بر مباحث جدیدی مانند تکه‌تکه شدن قدرت میان سطوح دولتی و فرودولتی، تشویق و ترغیب تمرکززدایی از دولت و اتکاء روزافزون بر انواع جدید مشاوره و مشارکت شهروندان، متمرکز هستند. لذا حکمرانی اغلب با نگاهی جدید، به محدود نمودن قدرت سنتی سلسله‌مراتبی (بالا- پائین) و تغییر مسیر آن به سوی تصمیم‌های جمعی می‌پردازد. پژوهشگران این حوزه معتقدند ناکارآمدی دولت‌ها در انجام یک‌تازانه امور موجب خلق این مفهوم شده، لذا با تفکیک حوزه‌های مختلف دولت و تمایز میان بخش خصوصی و دولتی و تمایز میان دولت و جامعه مدنی، سعی در تغییر ساختار سنتی قدرت و وزن‌دهی بیشتر به نهادهای موازی دولت در سیاستگذاری‌ها دارند. از این‌رو قدرت موثر و مشروع قدرتی است که از طریق مشارکت و منازعه نهادها و نیروهای متنوع در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی بدست می‌آید. به این ترتیب باید گفت مفهوم حکمرانی بر همیاری حکومت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که حکومت‌ها به جای آنکه به‌تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند، بهتر است در کنار شهروندان، بخش خصوصی و نهادهای مردمی، به عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. لذا از منظر سازمان ملل «حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور و فرآیندی مستمر از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است» (UN, 2000). با ورود شهروندان یا به مفهوم سازمان‌یافته‌تر آن، جامعه مدنی، به عرصه تصمیم‌گیری، جریان اداره کشور از یک نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرآیندی مردم‌سالار و مشارکتی

1 - Water Governance  
2 - Government  
3 - Collective

تبدیل خواهد شد. در کاربرد واژه حکمرانی باید به دو نکته توجه داشت. نخست اینکه، حکمرانی متفاوت از حکومت است. حکمرانی به عنوان یک مفهوم، مشخص می‌سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت و در قالب سه گروه اصلی از بازیگران؛ حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی جریان دارد. دوم اینکه حکمرانی بر فرآیند تاکید دارد و مشخص می‌سازد که تصمیم‌ها با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران و در تناسب با اولویت‌ها و سلايق متفاوت گرفته می‌شوند. حکمرانی، توافقی را بین اولویت‌ها و سلايق رقیب و متضاد برقرار می‌کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است. حکومت شیوه خاصی از اقدام است که در آن تاکید بر قدرت است. یعنی منطبق آن بر حول مفهوم قدرت و تحمیل استوار است. اما در فضای حکمرانی دولت محدود شده و جایگاهی برای استفاده از قدرت باقی نمی‌ماند و روابط یکجانبه جای خود را به روابط چندجانبه می‌دهد. فضای حکمرانی فضایی افقی است و دولت خود را در یک سطح با دیگر نهادها قرار می‌دهد. یعنی کنشگران غیردولتی به قدری از یکدیگر استقلال دارند که نمی‌توانند چیزی را بر دیگری تحمیل کنند، اما در عین حال آنقدر به یکدیگر وابسته‌اند، که می‌دانند بدون یکدیگر قادر به اقدام نیستند (Yazdani-Zazrani, 2012: 112). هر چند صاحب‌نظران مختلف، حکمرانی را به مفاهیم گوناگون بکار برده‌اند، اما می‌توان گفت، حکمرانی یعنی اینکه چگونه یک جامعه و گروه‌های درون آن، مبادرت به اخذ تصمیمات می‌نمایند (Institute On Governance, 2021) و «حکمرانی آب» نیز همان رفتار کنترل‌کننده‌ای است که از طریق اقدامات مدیریتی و یا با وضع مقررات آب (در طیف وسیعی از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اداری) به کار گرفته می‌شود و نهایتاً منجر به تنظیم، تخصیص و بهبود شرایط بهره‌برداری از آب می‌شود. حکمرانی آب مشخص می‌کند که «چه کسی و در چه زمانی و چگونه به چه آبی دسترسی داشته و از منافع و خدمات مرتبط با آن بهره‌مند شود (Allan, 2001)؛ «حفاظت کمی و کیفی از آب چگونه است»؛ «قاعده مدیریت آب چیست و نقش مشارکت‌کنندگان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تا کجاست»؛ «سیاست‌های بهره‌وری و صرفه‌جویی در مصارف آب کدامند»؛ «داوری اختلافات و تعارض‌ها به دست کیست»؛ در بررسی علل بروز بحران در حوضه زاینده‌رود، پرداختن به این موضوع مهم است که نگاه هریک از کنشگران به بحران آب چیست و چرا هر یک از ایشان فکر می‌کند که آب به او تعلق دارد، اما کسی اراده‌ای برای حفاظت از آب ندارد. البته حکمرانی آب با مدیریت آن متفاوت می‌باشد. «حکمرانی آب عبارت است از عملکرد نهادهای جامعه اعم از نهادهای سیاسی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی برای مدیریت منابع و خدمات آب به نحوی که نیازهای انسان و محیط‌زیست بی‌کم و کاست برطرف شود. تا حدی می‌توان گفت مرز ظریفی میان مدیریت آب و حکمرانی آب وجود دارد. کنترل، وجه تمایز این دو است. مدیریت آب منبع آب را برای رفع نیازهای جامعه و محیط‌زیست کنترل می‌کند. حکمرانی آب در واقع کنترل مدیریت آب است تا اطمینان حاصل شود مدیریت آب به درستی پیش می‌رود (Pahl-Wostl, 2015).

### پیشینه پژوهش

درخصوص سوابق پژوهش ذکر این نکته ضروری است که تحقیقاتی که با موضوع بررسی مدیریت آب انجام شده، کمتر به حوزه سیاستگذاری و ارتباط سیاست و اجتماع پرداخته و از این منظر به نوعی با کمبود مطالعاتی مواجه بوده‌ایم، به نحوی که این منطقه از استان اصفهان و حوضه آبریز زاینده‌رود، با نوعی غفلت پژوهشی ناشی از یکسان‌انگاری مسائل حوضه آبریز زاینده‌رود، تاکنون موضوع یک پژوهش مستقل با هدف شناسایی و احصاء علل بروز بحران آب در منطقه مذکور، قرار نگرفته است. در ادامه به برخی از مطالعاتی که با موضوع مدیریت آب انجام شده اشاره می‌گردد. غلامحسین کیانی و همکاران (2019) در پژوهشی با عنوان «تخصیص بهینه منابع آب زاینده‌رود بین استان‌های چهارمحال و بختیاری، اصفهان و یزد با استفاده از نظریه بازی‌ها» با اتکاء به شاخص‌های آماری و با استفاده از نظریه بازی‌ها، حداکثرسازی اضافه رفاه مصرف‌کنندگان آب شرب در سه استان مذکور و بخش کشاورزی دو استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری و بخش صنعت در استان اصفهان را در شرایط همکاری و عدم همکاری، مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند همکاری بین بخش‌های مختلف استان‌های مورد نظر، اضافه رفاه مصرف‌کنندگان را نسبت به شرایط عدم همکاری، افزایش خواهد داد.

۱- عباس حاتمی و سوسن نوربخش (2019) در پژوهشی با عنوان «بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان بر اساس نظریه زمینه‌ای»، با استفاده از نظریه زمینه‌ای، درک معنایی بحران آب نزد کشاورزان سه شهر زیار، اژیه و ورزنه، از شهرهای شرقی شهرستان اصفهان را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که بحران آب از منظر کشاورزان شهرهای مذکور، در پیوند مستقیم و وثیقی با «حکمرانی غلط آب» که نتیجه عملکرد انحصاری دولت می‌باشد، قرار دارد.

۲- مجید وحید و سعید اخوان (2017) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی عملکرد دولت‌های هشتم و نهم در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر سیاستگذاری منابع آبی: مطالعه موردی: بحران منابع آب در استان اصفهان» پرداخته‌اند. این پژوهش که تمایز دولت‌های نهم و دهم را مفروض انگاشته و درصدد تعریف سیاست‌ها با توجه به چهارچوب نظری توسعه پایدار بوده، با بررسی مصوبات دولت که طی دوره مذکور در قبال بحران آب این استان اتخاذ شده به این نتیجه رسیده که سیاست‌های اتخاذ شده توسط هر دو دولت تقریباً مشابه بوده و با گرایش به سمت مناطق کمتر توسعه یافته از طریق پروژه‌های عمرانی مانند انتقال آب، درصدد ایجاد توسعه بوده است.

۳- سید جلال الدین میرنظامی و علی باقری (2017) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی سیستم حکمرانی آب در فرایند حفاظت از منابع آب زیرزمینی در ایران» به بررسی مولفه‌های حکمرانی در حفاظت از منابع آب زیرزمینی با تاکید بر سطوح نهادی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار حکمرانی آب از منظر گستره و انسجام به شدت ضعیف بوده و نیازمند اصلاح می‌باشد.

۴- مریم اسماعیلی فرد و حسن کاوه فیروز (2016) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی سیاستگذاری آب در ایران» بررسی مشابه‌ای را انجام داده‌اند. در این پژوهش ضمن بررسی مسئله تاریخی آب در ایران سیمای کیفی و کمی و چالش‌های بخشی و فرابخشی آن مورد واکاوی قرار گرفته است. در این پژوهش ارتباط آب با برخی مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از قبیل مسایل توسعه، شکاف‌های قومیتی-مذهبی، مشارکت زنان، مسایل امنیتی و غیره مورد اشاره قرار گرفته و اینگونه نتیجه گرفته‌اند که به منظور رسیدن به توسعه پایدار، نیازمند اجماع بین بخش‌های کشاورزی، صنعت، تجارت، بهداشت و درمان، محیط‌زیست و دیگر بخش‌ها در تغییر بنیاد مدیریت آب از تقاضا محوری به عرضه محوری می‌باشیم.

۵- محمد حسین پورکاظمی و معصومه والی (2014) در پژوهشی با عنوان «مدیریت منابع آبی زاینده رود بین بخش‌های صنعت و کشاورزی استان اصفهان با استفاده از نظریه بازی‌ها»، تخصیص بهینه منابع آب در حوضه زاینده رود طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۷۹ را بررسی و با توجه به سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت در مصرف آب و ارزش افزوده و اشتغال حاصل از این مصرف، چنین نتیجه‌گیری نموده که تخصیص آب بین بخش‌های صنعت و کشاورزی در دوره مذکور، بصورت بهینه صورت نگرفته است.

۶- علیرضا نیکوئی و منصور زیبایی (2012) در پژوهشی با «مدیریت منابع آب و امنیت غذایی حوزه زاینده رود: کاربرد روش تحلیل یکپارچه حوزه آبریز رودخانه زاینده رود» با هدف طراحی الگوی برنامه‌ریزی ریاضی اقتصادی-هیدرولوژیکی به عنوان الگوی جامع برنامه‌ریزی عرضه و تقاضای آب در سطح این حوضه، اینگونه نتیجه‌گیری نموده که در صورت اجرای این الگو، علاوه بر امکان استفاده بهینه از آب، امنیت پایداری غذایی را نیز بدنبال خواهد داشت.

۷- سید حسن حسینی ابری (1998) در پژوهشی با عنوان «مدیریت سنتی آب زاینده رود، بحثی در دانش بومی ایران» ضمن بررسی مدیریت آب رودخانه زاینده رود در گذشته بویژه در دوران صفویه و طومار شیخ بهایی، توصیه‌هایی را برای مشارکت مردمی در مدیریت فعلی آب زاینده رود به تصمیم‌گیران داشته است. از ویژگی‌های مهم این پژوهش که بیشتر از منظر جغرافیای طبیعی و توسعه روستایی قابل بررسی است علاوه بر تعلق تاریخی آن، می‌توان به عدم وجود چهارچوب نظری برای تحقق و

اجرائی نمودن راهکارهای پیشنهادی اشاره نمود. علاوه بر این محقق در بررسی‌های خود دو عامل دولت - دیوانسالاران و مردم را بدون توجه به مولفه‌هایی مانند قدرت و اثربخشی بصورت غیرماهوی بررسی نموده است. تقریباً در تمامی پژوهش‌های مذکور، استان اصفهان، به عنوان یک کل و بخشی از مسئله فراگیر کمبود آب، مورد پژوهش قرار گرفته در حالی که این پژوهش اولاً غرب استان اصفهان را به عنوان بخشی از موضوع سیاست‌گذاری آب حوضه زاینده‌رود، دارای شرایط خاص خود تلقی نموده و مورد بررسی قرار می‌دهد و دوم اینکه مسائل این بخش از استان، با تاکید بر نظر ذی‌نفعان مورد بررسی قرار گرفته که در هر دو مورد، مسبوق به سابقه نبوده و پژوهشی جدید محسوب می‌گردد.

## روش پژوهش

این پژوهش در پارادیم تفسیرگرایی و به شیوه کیفی انجام شده و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون صورت گرفته است. در این روش، داده‌های گردآوری شده در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله کدگذاری باز، پس از پیاده‌سازی متون مصاحبه‌های انجام شده، مفاهیمی که بصورت مستقیم و غیرمستقیم (از آنجایی که برخی از مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی بودند، برخی از مفاهیم را بصورت مستقیم اشاره نموده و برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان که فاقد چنین ویژگی بودند، بصورت غیر مستقیم، به مفاهیم اشاره نموده‌اند) در اطلاعات ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان وجود داشت، مشخص و اشباع گردید. کدگذاری باز بخشی از فرایند تحلیل داده‌هاست که به خردکردن، مقایسه‌سازی، نام‌گذاری، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها می‌پردازد. طی کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شده و برای به‌دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد بررسی قرار می‌گیرند. این مرحله، تا زمانی که دیگر مفهوم جدیدی در اطلاعات ارائه شده وجود نداشت، تداوم یافت. در مرحله کدگذاری محوری به‌عنوان دومین مرحله تجزیه و تحلیل، سعی می‌شود تا مفاهیم مشترک، براساس تشابهات و افتراقات، در قالب مقوله‌های عمده، دسته‌بندی و قابلیت تعریف ارتباط منطقی با یکدیگر و نیز ارتباط با کل را دارا باشند، در این مرحله، اطلاعات جمع‌آوری شده، کدبندی و برای هرکدام، توضیح مختصری در نظر گرفته شد که این توضیحات در مرحله بعد و به منظور ساخت مقوله‌های انتزاعی، مورد استفاده قرار گرفت. این کدگذاری، به این دلیل محوری نامیده شده که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. این مرحله، ضمن تنظیم تحلیلی و منطقی داده‌ها، زمینه را برای کدگذاری گزینشی و در نهایت استخراج مقوله هسته، فراهم نمود. در این پژوهش با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند، نسبت به انتخاب نمونه با حداکثر تنوع از مرتبطین موضوع تحقیق (مطابق جدول شماره ۱)، اقدام و با احصاء کنشگران هر شهرستان، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با ذینفعان (اعم از کشاورزان، باغداران، نمایندگان صنفی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شخصیت‌های مذهبی، فعالان صنعتی، مسئولین نظامی-انتظامی و اجرایی شهرستان‌های مذکور)، در شهرستان‌های فلاورجان، مبارکه، شاهین شهر و میمه، خمینی شهر، لنجان، چادگان، فریدونشهر، فریدن و بوین میاندشت که دارای جمعیتی بالغ بر ۱۳۵۹۷۴۷ نفر با ۴۲ شهر و ۱۸ بخش است، انجام شد که در نمونه ۵۱ به اشباع نظری رسیده است.

جدول ۱- فراوانی افراد مصاحبه شده (مشارکت‌کنندگان)

ردیف	افراد مصاحبه شده	تعداد (نفر)
۱	شخصیت‌های مذهبی (اتمه جمعه)	۵
۲	شخصت‌های علمی	۳
۳	فرماندار یا معاونین فرماندار	۱۰
۴	مسئولین اجرایی و فعالان صنعتی	۹
۵	مسئولین انتظامی-امنیتی	۵
۶	کشاورزان، باغداران، فعالان مجازی و ...	۱۸
۷	نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۳

همزمان با انجام مصاحبه‌ها، کدگذاری داده‌ها نیز آغاز و داده‌های حاصل از مصاحبه (که قبلاً مکتوب گردیده بود)، با استفاده از رویکرد استقرایی مورد تحلیل قرار گرفت. سپس یکی از مقولات که با بکارگیری روش فوق، به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شده بود، در مرکز فرایند، مورد کاوش قرار گرفته و ارتباط سایر مقولات با آن مشخص شد. در این مرحله از پژوهش، با نزدیک شدن به شکل نهایی از نتیجه پژوهش،

تلاش شد تا عوامل تاثیرگذار بر مقوله هسته‌ای با توجه به یکپارچگی ایجاد شده در مفاهیم ترسیم گردد و به منظور پرهیز از هرگونه اعوجاج و انحراف از اصول پژوهش به روش فوق، اطلاعات پژوهش و روندهای طی شده، در اختیار چند از اساتید



دانشگاه قرار گرفته که با تایید ایشان از صحت فرایند پژوهش، همراه گردید. روش شناسان کیفی، معیارهای گوناگونی را برای ارزیابی داده های کیفی پیشنهاد داده اند. از جمله این روش شناسان، می توان به روش گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) اشاره نمود که به جای استفاده از واژگان اعتبار و روایی کمی، از معیار «اعتماد» جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می کنند. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می توان به یافته های یک تحقیق متکی بود و به نتایج آن اعتماد کرد. گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) معتقدند که معیار قابلیت اعتماد در برگزیده چهار معیار جداگانه اما به هم مرتبط باورپذیری، اطمینان پذیری، تایید پذیری و انتقال پذیری است. بدین ترتیب، اعتماد پذیری هر چهار معیار یا دشده را در بر می گیرد و به عنوان میزانی تعریف می شود که در آن یک محقق می تواند مخاطبان را متقاعد سازد که یافته های وی، ارزش توجه کردن دارد.» (Mohammadpour, 2009: 81). لذا، ابتدا یافته های پژوهش حاضر، به پرسش شونده گان ارائه گردید که واکنش های ایشان، حاکی از تأیید نتایج پژوهش بود و علاوه بر آن، نتایج مذکور، مجدداً با داده های خام پژوهش، مقایسه و ارزیابی گردید. لازم به ذکر است که تمامی این مراحل، با هدف اعتبارسنجی و رسیدن به قابلیت اعتماد، تحت نظارت اساتید آشنا به روش پژوهش انجام شد.

### یافته های پژوهش

کمبود آب در حوضه آبریز زاینده رود، به عنوان یکی از چالش های اصلی در سیاست گذاری های این استان مطرح بوده که با عدم تعادل پیش آمده در تقاضا و مدیریت بهره برداری از آن، طی سال های اخیر، ابعاد گسترده تری یافته است. در این پژوهش، نظرات ذی نفعان در خصوص علل بروز بحران آب در شهرستان های غربی استان اصفهان که مشتمل بر ۱۹۶ علت ابراز شده در پاسخ به سوال چرایی و علل بروز بحران آب بود، جلب گردید. جمع آوری داده ها تا زمان اشباع نظری ادامه یافته است که در مجموع ۵۱ مشارکت کننده را شامل می شود. لذا علل عنوان شده از جانب مشارکت کنندگان، پس از بررسی و مقایسه و حذف علل تکراری، به ۷۶ مفهوم که در مصاحبه ها به انحاء مختلف مورد اشاره قرار گرفته بود، تقلیل یافت. این مفاهیم در قالب ۱۵ مفهوم اولیه و سپس ۴ مقوله اصلی که بیان گر مقوله هسته یا همان علل بروز بحران آب در شهرستان های غربی استان اصفهان می باشد، گردآوری شده است. در این پژوهش در ابتدا ۷۶ مفهوم از اطلاعات گردآوری شده احصاء گردید که در مرحله گدگذاری باز، ۱۵ مفهوم اولیه تفکیک حوضه آبریز، عدم ورود قاطعانه دولت، ورود افراد غیر مسئول، سوء مدیریت، عدم شفافیت، تبعیض سیاسی، ضعف قوانین موضوعه، ضعف در اجرای قوانین، ضعف در نظارت بر اجرای قوانین، خشکسالی، عدم وجود منابع جایگزین، توپوگرافی حوضه آبریز زاینده رود، اصلاح الگوی مصرف، تفوق قوم گرایی و فرهنگ سیاسی استخراج گردید. این مفاهیم، با تبدیل به مفاهیم انتزاعی، امکان قرار گرفتن در قالب چهار مقوله اصلی تحت عنوان علل سیاسی، قانونی، اقلیمی و فرهنگی - قومی را یافته و سپس با گدگذاری گزینشی، امکان استخراج مقوله هسته که مقوله محوری پژوهش محسوب می گردد را فراهم نمود. این فرایند در جداول ذیل عناوین همان علل، نمایش داده شده که در ادامه به تفصیل تشریح می گردد.

### الف) علل سیاسی

#### ۱- تفکیک حوضه آبریز

تعریف حوضه آبریز زاینده رود در دو استان اصفهان و چهار محال بختیاری بر اساس مرزهای دو استان، تصمیم اشتباهی بوده که در ۱۳۸۴ به اجرا در آمده است. اساساً تفکیک امور حاکمیتی بویژه تصمیم گیری در موضوع آب، اعم از بهره برداری و صیانت از منابع، نظارت بر توزیع، حفظ تاسیسات و... غیر قابل تصور می باشد. این تفکیک باعث شده تا حوضه آبریز و بخش هایی از مسیر رودخانه در دو استان مذکور قرار گرفته و در مواقعی، زیرمجموعه یک وزارتخانه در دو استان، مقابل یکدیگر قرار گیرند. یکی از مشارکت کنندگان اظهار داشت: «فاصله خروجی سد زاینده رود تا محلی که آب برای تصفیه خانه باباشیخعلی اصفهان برداشت می شود حدود صد کیلومتر است. اگر اصفهان خروجی آب سد را مدیریت کند باز هم بخش عمده ای از این مسیر در حوضه چهارمحال است که کنترل برداشت از آن در حیطه مدیریت اصفهان نیست. این تفکیک حوضه،

به حدی موجب اختلاف بین دستگاه‌های دولتی شده که آب منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری، با طرح شکایت از آب منطقه‌ای اصفهان، مستحدمات تجهیز کارگاه یکی از طرح‌های انتقال آب از سرمنشا زاینده‌رود را به اسم ویلاسازی، تخریب نمود. اقدامی که فقط باعث تضییع بیت‌المال شد». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز با اشاره به پروژه انتقال آب به یزد اظهار داشت: «پروژه انتقال آب به یزد که قرار بود در قبال اجرای پروژه بهشت آباد، بهره‌برداری شود و توسط آب منطقه‌ای یزد، اما در جغرافیای اصفهان مدیریت می‌شود، نمونه بارز تفکیک این حوضه بین سه استان اصفهان، چهارمحال و یزد و نمود مجسم حاکمیت در حاکمیت است».

## ۲- عدم ورود قاطعانه دولت

بحران آب در فلات مرکزی ایران، ابعاد فرامنطقه‌ای یافته است، اما مشارکت‌کنندگان معتقدند که ابعاد این بحران در حدود واقعی خود برای تصمیم‌گیران و سیاستگذاران کلان کشور، اهمیت نیافته و این موضوع باعث شده تا دولت اراده‌ای برای ورود به بحران مذکور به منظور حل آن نداشته باشد. از سویی دیگر برخی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که استان‌های مذکور دارای نمایندگانی در مجلس شورای اسلامی می‌باشند که در صورت ورود دولت، احتمال نارضایتی برخی از ایشان وجود داشته و دولت با هدف عدم مانع‌تراشی مجلس و کاستن از مقاومت نمایندگان، در ورود به بحران، تعلل نموده است. علاوه بر این، برخی دولت‌ها با هدف کسب آراء عمومی در انتخابات ریاست جمهوری، سعی دارند تا افکار عمومی این استان‌ها را نسبت به دولت خود، تخریب و منفی، ننمایند. یکی از نمایندگان مجلس در توصیف این شرایط و عدم عملکرد دولت، اظهار داشت که: «ما هم اکنون با بی‌عملی دولت مواجه شده‌ایم». یکی از فرمانداران نیز با انتقاد از توجه بیش از حد به برخی کنشگران اظهار داشت: «دولت، بخشی از حاکمیت خود را به بازیگرانی داده که ایفای این نقش بیش از حد توان آنهاست، ما باید تصمیم بگیریم و آنها اجرا کنند نه اینکه آنها خود را مالک و بهره‌بردار و تصمیم‌گیر بدانند».

## ۳- ورود افراد غیر مسئول با انگیزه‌های سیاسی

بحران آب در این منطقه (غرب اصفهان) به یکی از مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های تعریف دیگر مسائل، تبدیل شده است. به عبارتی دیگر، از منظر ذی‌نفعان، هر فردی که فاقد جایگاه در سیاستگذاری یا اجرای سیاست‌ها و تخصص و آگاهی نسبت به مسائل آب است و به منظور معرفی خود به عنوان یک مطلع و متخصص دارای دغدغه‌های ذهنی مشترک با اهالی، منتقد وضعیت موجود و در نهایت با هدف سهیم شدن در قدرت و احتمالاً، کسب آراء مردمی، مبادرت به تعریف وضعیت آبی موجود و جایگاه متصوره یا ایده‌آل برای خویش به عنوان شخصی که قادر به حل بحران است، می‌نماید؛ باید فردی غیر مسئول خوانده شود. این افراد که در سال‌های اخیر استفاده گسترده‌ای از ظرفیت‌های فضای مجازی داشته‌اند، عموماً در تشریح وضعیت فعلی، با سیاه‌نمایی، زمینه‌هایی را ایجاد می‌نمایند که اهالی یک منطقه، نسبت به دیگر مناطق، احساس تضییع حقوق و رفتار خارج از عدالت را پیدا می‌نمایند. این شیوه اقدام موجب شده تا تفکرات محدود قومیتی و نفی دیگری، نسبت به تفکرات ملی و همکاری، تفوق یابد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «برخی از افرادی که دنبال کسب رای هستند جوری از حل بحران آب حرف می‌زنند که مخاطب گمان می‌کند اختیارات شورای شهر و روستا هم برای حل بحران آب کافی است». مشارکت‌کننده دیگر در شیوه تبلیغات مخرب نامزدهای انتخاباتی اظهار داشت: «یکی از نامزدهای انتخابات مجلس در توضیح بحران آب و اختلافات بهره‌برداران، طوری صحبت می‌کرد که من فکر کردم راجع به رژیم صهیونیستی حرف می‌زند».

## ۴- سوء مدیریت

مدیریت فراگرد به‌کارگیری موثر و کارآمد منابع انسانی و مادی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به هدف‌های تعیین‌شده صورت می‌گیرد (Rezaian, 2005: 8). مفهوم مدیریت به عنوان زیرمجموعه نظام سیاسی و تصمیم‌گیری کشور، در ابرچالش آب در فلات مرکزی ایران، نمود ویژه‌ای داشته است. برخی از مشارکت‌کنندگان نقش این عامل را فراتر و بنیادی‌تر از دیگر عوامل ارزیابی نموده‌اند. چنانکه یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «ما در مدیریت مشکل داریم، اولویت‌های ما کدام است؟ چه امکاناتی

داریم؟ کی و چه میزان آب به کدامیک از مصارف تخصیص دهیم؟ سال آینده همین موقع چه میزان آب داریم؟ مدیر ما صبح می‌آید و ظهر هم می‌رود، بدون اینکه برنامه‌ای برای فردا داشته باشد». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز اظهار داشت: «بر چه اساسی بارگذاری‌های جدید تعریف می‌شوند؟ چرا بر برداشت‌ها نظارت نمی‌شود؟ چرا نظرات متخصصین امر لحاظ نمی‌شود؟ چرا صنعت آب بری مانند فولاد حتی بعد از انقلاب اسلامی در این حوضه تعریف شده؟ ملاک ارزیابی عملکرد مدیران چیست؟ و هزاران چرای دیگر همه مربوط به سوءمدیریت در این حوضه است». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان عنوان داشت: «اگر مدیریت درستی در این حوضه حاکم بود، می‌توانستیم از شدت و گسترش بحران جلوگیری کنیم و اصل کارایی نظام را تحت تاثیر قرار ندهیم». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «اگر مدیریت قوی باشد، با بازگرداندن آبهایی که از غرب و جنوب استان در حال خروج از حوضه است، می‌توان حداقل در کوتاه‌مدت مشکل را برطرف نمود». به عبارتی سوءمدیریت که در عدم استفاده بهینه از امکانات و ظرفیتهای موجود نمود یافته، مسئله‌ای است که در صورت برطرف شدن، آثار مثبتی بر دیگر جوانب، خواهد داشت.

#### ۵- عدم شفافیت

اکثر تعاریف «شفافیت» مرتبط با میزان اندازه‌ای است که یک نهاد یا موجودیت مستقل از اطلاعات مربوط به فرآیندهای تصمیم‌گیری، رویه‌ها، نقش‌ها و عملکرد خود را آشکار می‌سازد (Nargesian & Jamali, 2019: 214). شفافیت به عنوان یکی از ویژگی‌های حکمرانی خوب، به شهروندان این امکان را می‌دهد تا با قرار گرفتن در جریان تصمیمات، از چگونگی اتخاذ اهداف و ... مطلع شده و از منافع آن برخوردار گردند. «حکمرانی خوب مشتمل بر سنت‌ها، نهادها و فرآیندهایی است که تعیین می‌کنند چگونه تصمیمات دولتی به صورت روزمره (روتین) اتخاذ می‌شوند و به پرسش‌هایی از این دست پاسخ می‌دهد که چگونه و تا چه حدی شهروندان می‌توانند در سیاستگذاری‌های جاری کشور حق اظهار نظر داشته باشند» (Yazdani-Zazrani, 2012: 119). یکی از موارد نارضایتی کنشگران در غرب استان اصفهان، عدم شفافیت در سیاستگذاری‌ها است. ایشان معتقدند که نه تنها مبنای اتخاذ سیاست‌ها مشخص نبوده، بلکه نتایج حاصل از این سیاست‌ها نیز نامشخص بوده و نقش و منافع اهالی شهرستان‌های غربی در تصمیمات، لحاظ نمی‌گردد. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «ما نمی‌دانیم چرا در یک زمان که آب پشت سد کمتر از ۲۰۰ (میلیون مترمکعب) است، آب را باز می‌کنند و یک زمان که بالای ۲۵۰ (میلیون متر مکعب) بوده و برای حفظ درختان نیاز مبرم به آب داشته‌ایم، آب را باز نکرده‌اند». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «من نمی‌دانم فردا اگر فلان اتفاق افتاد، کی مقصر است، دنبال کی برویم، از کی بخواهیم، به کی بگوییم تو اشتباه کردی، به کی بگوییم چرا فلان کار را کردی، در یک کلام، در این کلاف سردرگم، یقه کی را بگیریم».

#### ۶- تبعیض سیاسی

یکی دیگر از موارد و نتایجی که از شیوه غیر شفاف سیاستگذاری آب، حاصل شده، احساس تبعیضی است که در بین ذی‌نفعان بوجود آمده است. با توجه به عدم شفافیت، هریک از این کنشگران، احساس نموده که سیاست‌های اتخاذ شده، به ضرر وی و به نفع دیگری، اتخاذ شده است. این احساس تبعیض، در دوسطح کلی نمود یافته است. یکی احساس تبعیضی که بین گروه‌های کنشگر مانند کشاورزان با صنعت‌گران بوجود آمده و دیگری که از تعمیق بیشتری نیز برخوردار است، احساس تبعیضی است که بین کنشگران یک منطقه با منطقه دیگر مثلاً کشاورزان غرب (عمدتاً باغداران) و کشاورزان شرق، بوجود آمده و احتمال رادیکالیزه شدن کشاورزان غرب استان اصفهان را افزایش داده است. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «شرقی‌ها (کشاورزان شرق استان) راهش را یاد گرفته‌اند، هر موقع که آب بخواهند، جلوی استانداری یا دفتر نماینده‌ها (مجلس شورای اسلامی) تجمع می‌کنند و چهار تا پلاکارد هم بالا می‌برند و آب می‌گیرند، اما کسی به درخواست ما که درختانمان دارد خشک می‌شود، گوشش بدهکار نیست». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «چرا، بر چه اساسی، فولاد (مجمع فولاد مبارکه) و ذوب آهن باید از رودخانه آب ببرند، اما ما که حقابه داریم کنار آب، تشنه بمانیم، اینها (صنایع) که پول دارند بیشتر هم مورد حمایت دولت هستند». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان با اشاره به وقایع ضد امنیتی که بین کشاورزان شرق استان با نیروهای

امنیتی در سال‌های گذشته بویژه ۱۳۹۱ اتفاق افتاد، اظهار داشت: «بعد از آن درگیری‌ها، حوضه فعالیت شرقی‌ها (کشاورزان شرق) به غرب استان هم کشیده شده و اینجا هم تجمع و تحصن و ... داشتند، شاید ما هم روزی به این نتیجه برسیم که برای گرفتن حق خودمان، مثل آنها عمل کنیم». یکی دیگر از مشارکت کنندگان می‌گوید: «وضعیت ما، وضعیت یک بام و دو هوا است. همان آبی که ما حق نداریم برداریم و اگر برداریم جریمه میشیم و چاه‌ها مون پلمپ میشه، چهار محالی‌ها شیلنگ انداخته‌اند و با پمپ، بی حساب و کنتور، شبانه‌روز برداشت می‌کنند و هلو و بادامش را به ما می‌فروشدند. همین است که از خروجی سد تا ورودی (تصفیه‌خانه) باباشیخعلی، ۱۰ متر مکعب آب، گم میشه».

## ب) علل قانونی

### ۱- ضعف در وضع قوانین

به اعتقاد برخی از مشارکت‌کنندگان، برخی از قوانین (و نه همه قوانین) دارای پشتوانه کافی علمی و مبتنی بر واقعیات و امکانات، نبوده و به همین دلیل، امکان اجرای این قوانین وجود ندارد. این عدم امکان اجرا موجب تعمیم به دیگر قوانین و تضرر ذی‌نفعان خواهد شد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «شورای عالی آب، سقف میزان جابجایی آب به حوضه زاینده‌رود را تعیین کرده که تونل بهشت‌آباد با آورده ۵۸۰ میلیون مترمکعب، یکی از این طرح‌ها است، از آن طرف این طرح شاید فقط ۱٪ پیشرفت فیزیکی داشته. وقتی به شورای عالی آب می‌گوییم نیاز به مدیریت آب در این حوضه داریم، می‌گویند

### جدول ۲- علل سیاسی

مفهوم اولیه	مفاهیم ثانویه	مفهوم اصلی
توسعه نامتوازن-نگاه منطقه‌ای- تشویق برخی مسئولان به برداشت بی‌رویه از آب بدون توجه به آثار سوء آن- عدم تمرکز در مدیریت حوضه آبریز- برداشت بی‌رویه در هر استان- عدم برنامه‌ریزی بلندمدت توسط وزارت نیرو و جهاد کشاورزی- عدم تمرکز تصمیم‌گیری- تصمیم‌گیری احساسی- نگاه سستی به مدیریت آب- عدم برنامه‌ریزی دقیق و علمی- ضعف مدیریت آب منطقه‌ای- ضعف در استفاده از آب‌هایی که از حوزه آبریز خارج می‌شوند- عدم مشورت مسئولین با ذی‌نفعان- بی‌عدالتی در تقسیم آب- عملکرد سلیقه‌ای مسئولین- تبعیض بین‌ذی‌نفعان- عدم همخوانی مرزهای استانی با حوضه آبریز- تصمیم غلط واگذاری مدیریت حوضه به دو استان توسط رئیس‌جمهور وقت- جلب نظر ذی‌نفعان در موعد انتخابات و فراموشی پس از انتخابات- عدم تصمیم‌گیری دولت با هدف ناراضی نشدن و حفظ آراء ذی‌نفعان در انتخابات برای خود- اظهار نظر مسئولان کشوری در هر منطقه بر اساس خواست مردم همان منطقه- پارگذاری‌های جدید- احداث صنایع آب‌بر- بی‌عملی مسئولین- انتقال آب به یزد قبل از اجرای پروژه بهشت‌آباد- عدم اهتمام مسئولین به اجرای پروژه‌های انتقال آب به حوضه- نگاه مسئولین به اصفهان به عنوان استان برخوردار- عدم تعیین اولویت‌ها- عدم شفافیت در چگونگی اتخاذ تصمیمات- عدم شفافیت در میزان برداشت‌ها- اشتباه در احداث صنایع آب‌بر- عدم تصمیم‌گیری با هدف به تعویق انداختن بحران برای دولت بعد- فشار نمایندگان به دولت از طریق تحریک ذی‌نفعان به تجمع تحصن و ...- ضعف تعامل و هماهنگی بین استانی ...	تفکیک حوضه آبریز- عدم ورود قاطعانه دولت- ورود افراد غیر مسئول - سوء مدیریت- عدم شفافیت- تبعیض سیاسی	علل سیاسی

سقف انتقال آب به این حوضه تکمیل شده یعنی طرحی که اصلاً پیشرفتی نداشته، جزو آورده‌های حوضه زاینده رود حساب می‌شود». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «تونل بهشت‌آباد تصویب شده، اما تامین اعتبار نشده، چطور می‌شود یک چنین طرحی که باید حدود ۶۵ کیلومتر تونل احداث کرد، بدون تامین اعتبار اجرا کرد». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «دولت در سال ۹۸، ممنوعیت کشت برنج در کشور به جز استان‌های شمالی را ابلاغ کرد، اما برخی از اراضی این شهرستان بدلیل قرار داشتن در حریم یا بستر روخانه و ... دچار آبگرفتگی می‌شوند، در این شرایط هیچ محصولی جز برنج، قابلیت کشت ندارد».

### ۲- ضعف در اجرای قوانین

یکی از بارزترین مفاهیمی که مورد تاکید مشارکت‌کنندگان قرار داشته، عدم پایبندی به قوانین است. از نظر ذی‌نفعان، قوانینی که به لحاظ تاریخی، تقدم داشته و یا توسط مراجع بالادستی، تنظیم شده‌اند، به راحتی توسط دیگر مسئولین و بهره‌برداران، نقض می‌گردد که طرح ۹ ماده‌ای شورا عالی آب، تبصره ۱ ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب، بند "د" ماده ۳۵ قانون برنامه

۱ - طرح ۹ ماده‌ای احیای حوضه آبریز زاینده‌رود در سال ۱۳۹۳ با هدف هماهنگی و اعمال مدیریت واحد بر این حوضه آبریز در موضوعات منابع، مصارف و حبابه‌ها به تصویب شورای آب کشور رسید.  
 ۲ - طبق ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب، وزارت نیرو مکلف است برای حبابه برآن اقدام به جبران خسارت کند به این معنا که باید در درجه اول آب جایگزین و در غیر این صورت مبلغ آن را پرداخت کند.

ششم توسعه، از آن جمله هستند. یکی از مشارکت کنندگان با اشاره به این موضوع اظهار داشت: «خب این قوانین به هر ترتیب تصویب شده و حقوق و تکالیفی هم برای بهره برداران تعیین نموده، اما همان هایی که باید اجرا کننده باشند، وقتی از چرایی عدم اجرای قانون سوال می کنیم، یا می گویند قانون ابلاغ نشده، یا می گویند بودجه نداریم یا می گویند به استناد فلان قانون و بخشنامه و دستورالعمل، در حیطه وظایف فلان دستگاه است. قانون فعلاً روی کاغذ مانده، معلوم هم نیست که چه کسی باید با این متخلفان عافیت طلب، برخورد کند».

### ۳- ضعف در نظارت بر اجرای قوانین

به هر ترتیب، قوانین تصویب و ابلاغ گردیده، اما نظارت بر اجرا با هدف، کسب بازخوردها، تعیین کاستی ها و برخورد با متخلفان احتمالی یا معرفی به دستگاه قضائی و ...، به عنوان یک بخش از فرایند سیاست گذاری، نیز دچار نقص است. یکی از مشارکت کنندگان اظهار داشت: «ما در حوضه نظارت، دچار ضعف های اساسی هستیم. یکی از وظایف مجلس، نظارت بر ریل گذاری است که تصویب کرده اما من با سابقه سه دهه فعالیت اداری و حدود یک دهه سابقه مدیریتی، یاد ندارم که این نقش نظارتی، عملیاتی شده باشد». یکی دیگر از مشارکت کنندگان عنوان نمود: «من به خاطر نمی آورم که فردی، مخصوصاً یک مدیر، بخاطر عدم عمل به وظایف، اجرای غلط وظایف سازمانی، قصور و تقصیر و مسائلی از این قبیل، در یک کلام سوء مدیریت، به دستگاه قضائی، سازمان بازرسی، تخلفات اداری و ... معرفی شده باشد. هر مدیری می گوید من بهترین عملکرد را داشته ام، هیچ ارزیابی هم در کار نیست».

جدول ۳- علل قانونی

مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه	مقوله اصلی
نبود قوانین مشخص- عدم حمایت قانونی از حقایق داران- عدم توجه به قوانین و حقوق ذینفعان در قوانین جدیدتر- عدم تعیین مرجع مشخص برای وضع قوانین- عدم تعیین مرجع مشخص برای رسیدگی و پاسخگویی به مشکلات ذینفعان حوضه- عدم تعیین حدود اختیارات و وظایف هر یک از دستگاهها- عدم نظارت بر حسن اجرای قوانین- عدم پیگیری میزان اجرای قوانین- عدم بررسی بازخورد قوانین اجرا شده- عدم وجود جایگاه مشخص قانونی برای ذینفعان در اتخاذ تصمیمات مربوط به آب- و ...	ضعف قوانین موضوعه- ضعف در اجرای قوانین- ضعف در نظارت بر اجرای قوانین	علل قانونی

### ج) علل اقلیمی

برخی از مشارکت کنندگان، با اشاره به اقلیم خشک منطقه و بویژه کاهش بارندگی در سال های اخیر، معتقدند، بحران آب در این حوضه، ناشی از عدم تعادل منابع آب با میزان نیاز بهره برداران می باشد که دلیل کاهش بارندگی ها از یک سو و افزایش بهره برداری ها، تعادل منابع با نیازها به هم خورده و دچار بحران و تنش آبی شده ایم. در این زمینه یک از مشارکت کنندگان اظهار داشت: «از دیرباز ما مشکل آب داشته ایم و چندین مرتبه زاینده رود خشک شده است، حتی در دوران صفویه، شاه اسماعیل به شیخ بهایی دستور داد که طرح انتقال آب به زاینده رود را اجرا کند که بنا به دلایلی اجرایی نشد. وقتی آب نیست و بارندگی نداریم، پروژه انتقال آب هم که اجرا کنیم یا حوضه دیگر را خشک می کنیم، یا به محیط زیست و سفره های زیرزمینی آسیب می زنیم». یکی دیگر از دیدگاه هایی که متاثر از وضعیت و شرایط اقلیمی این حوضه است، بر این نکته تاکید دارد که این حوضه آبریز در محدوده پس از نقطه تلاقی دو رشته کوه زاگرس و البرز قرار داشته و این تلاقی، موجب شده تا ابرها به سمت شمال و غرب رانده شده و با بار کمتری وارد این حوضه آبریز و فلات مرکزی ایران شوند. علاوه بر این، وجود این کوه ها، اجرای

۳- بند «د» ماده ۳۵ قانون برنامه ششم توسعه: تامین حقایق کشاورزان از رودخانه ها، چشمه ها و قنات ها از آب سلدهای احداثی بر روی این رودخانه ها، قنات ها و چشمه ها.

طرح‌های انتقال آب به حوضه زاینده‌رود را زمان‌بر و بسیار پرهزینه نموده است. یکی از مشارکت‌کنندگان با اشاره به این موضوع، اظهار داشت: «طرح‌های انتقال آب برای این حوضه بخاطر بافت کوهستانی منطقه، بسیار سنگین است، اگر اعتبارات ملی نباشد، استان قادر به اجرای حتی یک وجب از طرح‌هایی مثل بهشت‌آباد، نیست».

## د) علل قومی- فرهنگی

### ۱- اصلاح الگوی مصرف

برخی از مشارکت‌کنندگان با اشاره به اسراف در استفاده از آب، معتقدند، چنانچه فرهنگ مصرف در بخش‌های شرب، کشاورزی و صنعت، اصلاح شود، مدیریت بحران آب، امکان‌پذیر می‌باشد. این اصلاح الگوی مصرف با همکاری دستگاه‌های مسئول مانند آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی و...

جدول ۴- علل اقلیمی

مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه	مفهوم اصلی
گرم شدن کره زمین و کمبود بارش- اقلیم سطح آب‌های زیرزمینی- محدودیت منابع آب جایگزین- کوهستانی بودن منطقه که انتقال آب را دشوار نموده- فاصله زیاد حوضه تا منابع آبی خارج از حوضه- تبخیر بالای آب- ارتفاع بالا حوضه از سطح دریا و سختی انتقال آب	خشکسالی- عدم وجود منابع جایگزین- توپوگرافی حوضه	علل اقلیمی

به وجود می‌آید. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «جای آموزش احترام به منابع آب و محیط‌زیست در سر فصل‌های آموزشی خالی است. کشاورز ما هنوز مدل غرقابی را کشاورزی می‌داند. جهاد کشاورزی نه آموزش داده و نه تسهیلاتی که این تفکر را اصلاح کند. رقابت ما بیشتر برای بهره‌برداری از زاینده‌رود است تا افزایش بهره‌وری و راندمان».

این اصلاح الگوی مصرف، در بخش صنایع، باید با حمایت دولت در افزایش راندمان صنایع نیز همراه باشد. حمایت دولتی می‌تواند از طریق هدایت بخش‌های علمی به همکاری بیشتر با صنایع و اعطای تسهیلات به منظور نوسازی صنایع، انجام پذیرد.

### ۲- قوم‌گرایی

بحران آب در فلات مرکزی، فراتر از حوضه زاینده‌رود بوده و حداقل چهار استان را درگیر خود نموده است، اما این بحران همواره تحت تاثیر سطح تحلیل فراملی و بویژه قومیت‌گرایی نیز قرار گرفته است. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «اینکه ما بحران آب را یک موضوع غیرملی نگاه می‌کنیم، ناشی از عدم نهادینه شدن تفوق منافع ملی نسبت به منافع قومی، برای ما است. هر یک می‌خواهیم مسئله را به نفع خودمان حل کنیم». یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان با اشاره به این شیوه نگرش به بحران آب که در برهه‌های خاصی از فرایندهای سیاسی، تقویت شده، اظهار داشت: «فلان کاندیدا، برای اینکه رای جمع کند، فقط بر طبل ضدیت با اهالی فلان منطقه کوبید. فلان مسئول توثیت کرده که خون می‌دهیم، اما آب به اصفهان نمی‌دهیم. مگر در جریان سیل ۹۸ و جنگ تحمیلی همین اصفهانی‌ها به کمک شما نیامدند. چطور آن موقع اصفهان و غیر اصفهان نداشتیم اما حالا داریم».

### ۳- فرهنگ و فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی، عبارت است از ارزش‌ها، باورها و ایستارهای احساسی مردم در مورد نظام سیاسی خودشان (Alam, 2006). بر این اساس، فرهنگ سیاسی از دو منظر در حوضه مذکور قابل بررسی است. از یک سو «مهم‌ترین موانع مشارکت در فرهنگ سیاسی ایران و ارتباط آن با حکمرانی خوب عبارتند از: فردگرایی منفی، استبدادزدگی، ضعف جامعه مدنی، مشکلات ساختاری، دولت شبه‌رانتی و تمرکزگرایی که کوچک کردن دولت، تقویت منافع و نمادهای ملی، بسط جامعه مدنی و حاکمیت اراده عمومی، می‌تواند به ارتقای آن در چارچوب حکمرانی خوب کمک کند» (Haji Yousefi & Talebi, 2017: 8) و در سوی دیگر، نگاه کوتاه‌بینانه‌ای است که در سیاستگذاران نسبت به بحران آب شکل گرفته است. علاوه بر این، فرهنگ مشارکت سیاسی در این حوضه، متأثر از عمق بحران، شدت خشکسالی و نیاز به آب، مسائل قومی و... بیشتر بر نفی دیگری استوار گردیده تا اثبات خویش. به عبارتی دیگر، مفهوم «فرهنگ» در بحران آب حوضه زاینده‌رود، از چند منظر، به عنوان یکی از علل پیدایش بحران،

قابل تشخیص می باشد؛ اول آمادگی و توانمندی کنشگران به منظور مشارکت نظام مند در تصمیمات، دوم بستر مناسب و نگرش مثبت سیاستگذاران به تسهیم تمامی کنشگران در تصمیمات و سوم اجماع نخبگان محلی، بویژه نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر عبور از نگاه محلی-قومی به نگاه کلان و ملی در بحران حوضه زاینده رود. یکی از مشارکت کنندگان اظهار داشت: «گویا ما (که هنوز هم "ما" نشده ایم) و دولت زبان هم را نمی فهمیم، ما چگونه در تصمیم ها نقش داشته باشیم. دولت اصلاً ما را قبول ندارد. ما هم نه ابزارش را داریم و نه اجماع». یکی دیگر از مشارکت کنندگان گفت: «یکی از بزرگترین مشکلات ما این است که پس از پیدا شدن دو تکه ابر در آسمان، به مسئولین بقبولانیم که خشکسالی است. وقتی باران می آید، فکر می کنند خشکسالی تمام شد، تمام برنامه ریزی ها هم انگار فراموش می شود. البته بی ربط هم نبوده، شما نگاه کنید، خود ما هم با خیس شدن زمین همین فکرها را کرده ایم و دنبال هیچ چیزی نرفته ایم و کشاورزها هم ساکت بوده اند و حداکثر یک نوبت هم آب گرفتند یا چندرغاز خسارت خشکسالی، دولت هم فکر کرده که مشکل حل شد». یکی دیگر از مشارکت کنندگان با اشاره به تشتت و عدم اجماع مسئولین اظهار داشت: «مسئولین، هم صدا نیستند، این عدم هم صدایی در نمایندگان (مجلس شورای اسلامی) خیلی بارزتر است. شما ببینید، نمایندگان فلان استان در خصوص این معضل کاملاً هم صدا و هماهنگ هستند، اما نمایندگان ما هنوز سر اینکه چقدر آب سهم کیه، کی چقدر راست میگه و کی ... اجماع ندارند. این هم کار یک روز و دو روز نیست، نماینده هم تو همین بستر فرهنگی و با دید بد به همسایه اش که فکر می کند حقش را می خورد تربیت و بزرگ شده».

جدول ۵- علل قومی - فرهنگی

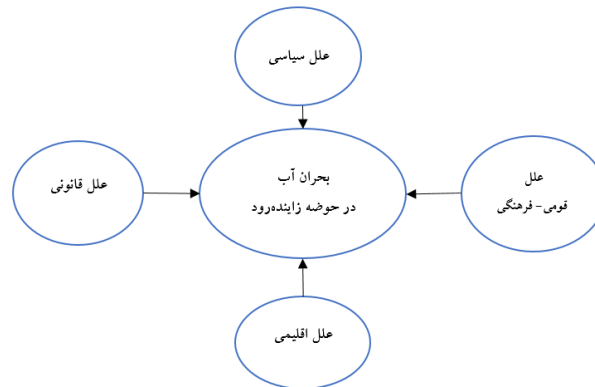
مفهوم اولیه	مفاهیم ثانویه	مقوله اصلی
افزایش مصرف در شرب و صنعت و کشاورزی- افزایش برداشت با هدف افزایش نفع شخصی- حفر چاه های غیرمجاز- سرقت و برداشت غیرمجاز آب به وسیله پمپ- نگاه اهالی چهارمحال و بختیاری به حوضه آبریز از منظر مالکیت آن- عدم توجه مسئولان به ذینفعان- کوتاه آمدن مسئولان در مقابل اقدامات خشن و ضد امنیتی- عدم سازماندهی ذینفعان در قالب گروه های مشخص و سمن ها- عدم اهمیت مردم و معیشت ایشان برای دولت- ترجیح منافع خود بر دیگران- عدم آموزش نسل ها برای احترام به حقوق دیگران- تاکید بر اقدامات تخریبی علیه دیگر ذینفعان بویژه نهادهای دولتی و صنایع بزرگ- تحریک برخی از ذینفعان با شعارهای قوم گرایانه- سوء استفاده از فضای مجازی- آلوده کردن منابع آب- عدم توجه به محیط زیست- عدم اعتماد بین ذینفعان - عدم اعتماد بین ذینفعان و مسئولین- احساس محرومیت و مورد ظلم واقع شدن در بین ذینفعان توسط دیگری یا دولت - گرایش روزافزون ذینفعان به نمایندگی توسط افراد منتقد و تندرو- زود قانع شدن ذینفعان- قبول وعده های غیر قابل تحقق- و ...	اصلاح الگوی مصرف- تفوق قوم گرایی- فرهنگ سیاسی	علل فرهنگی-قومی

## نتیجه گیری

مسئله و بحران آب در حوضه آبریز زاینده رود در این شهرستان ها، به عنوان بخشی از اقلیم متنوع از حوضه آبریز زاینده رود که دارای نگاه منحصر به فردی در چرایی علل بروز بحران آب می باشند، برآیند چهار علت است (نمودار شماره ۱) که می توان

این دلایل را در قالب چهار مفهوم اصلی یعنی دلایل سیاسی، دلایل قانونی، دلایل اقلیمی و دلایل قومی-فرهنگی، دسته‌بندی نمود.

نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش.



همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است، از منظر مصاحبه‌شوندگان و ذی‌نفعان موضوع آب در شهرستان‌های غربی استان اصفهان، بحران آب در حوضه زاینده‌رود، به‌عنوان مقوله هسته‌ای پژوهش، حاصل چهار علت سیاسی، اقلیمی، قانونی و فرهنگی است.

جدول ۶- مفاهیم اولیه، مقوله‌های اصلی و مقوله هسته

مفاهیم ثانویه	مقوله اصلی	مقوله هسته
تکنیک حوضه آبریز- عدم ورود قاطعانه دولت- ورود افراد غیر مسئول - سوءمدیریت- عدم شفافیت- تبعیض سیاسی	علل سیاسی	مقوله هسته
ضعف قوانین موضوعه- ضعف در اجرای قوانین- ضعف در نظارت بر اجرای قوانین	علل قانونی	
غشکسالی- عدم وجود منابع جایگزین- توپوگرافی حوضه	علل اقلیمی	
اصلاح الگوی مصرف- نفوق قوم‌گرایی- فرهنگ سیاسی	علل قومی- فرهنگی	

از آنجایی که برخی از این دلایل از جمله دلایل سیاسی و قانونی، در صورت اراده حاکمیت، در کوتاه‌مدت، قابل حل می‌باشد، در صورتی که هر دولت، از منظر رجحان منافع سیاسی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، حل مشکل را به فردا موکول نماید، پیش‌بینی این پژوهش آن است که نه تنها هزینه‌های مادی بلکه هزینه‌های معنوی از جمله

کاهش اعتماد به کارایی نظام تصمیم‌گیری را بدنبال خواهد داشت. این کاهش اعتماد عمومی، می‌تواند ذی‌نفعان غرب استان را مجاب نماید که با حرکات اعتراضی و رادیکال، راساً وارد کارزار حل بحران آب گردند. در کنار اقدامات عاجلی که در قالب علل سیاسی و قانونی، تبلور یافته، غلبه بر دلایل اقلیمی و قومی-فرهنگی وجود دارد که این عوامل نیز، علاوه بر برنامه‌ریزی بلندمدت، نیازمند صرف هزینه می‌باشد و تامین این هزینه‌ها جز با ورود مصمم و قاطعانه حاکمیت و جلب همکاری و همراهی تمامی ذی‌نفعان و آبران، به‌عنوان بخشی از نظام حکمرانی آب، امکان‌پذیر نمی‌باشد. عدم توجه به دلایل مذکور یا اتلاف زمان در ورود حاکمیت به بحران آب حوضه زاینده‌رود، می‌تواند روند رادیکالیزه شدن ذی‌نفعان غرب استان اصفهان را بدنبال داشته و با بروز در سطح ذی‌نفعان درون استانی و سپس بین استان و استان چهارمحال و بختیاری، بحران آب را وارد فرایندی نماید که تحت تاثیر اختلافات ذی‌نفعان و مسئولین، دچار پیچیدگی هرچه بیشتر شده و با هزینه‌های مادی و معنوی بیشتری، همراه گردد.



## References:

- 1- Alam, Abdul Rahman. (2006). Foundations of political science. Tehran, Ney Publications [in Persian].
- 2- Allan, T., 2001. The Middle East Water Question: Hydropolitics & the global economy, London & New York
- 3- Bevir, M. (2012). Governance: A Very Short Introduction, Oxford University Press, Oxford, UK,
- 4- F. A. O (2018). Clean Water & Sanitation. Progresses on level of Water Stress. Global Baseline for SDG Indicator 6.4.2, available at: <https://www.unwater.org/publications/progress-on-level-of-water-stress-642/> [Accessed 8 February 2021].
- 5- Florence, M. (2017). From Network Structure to Policy Design in Water Protection a Comparative Perspective on Micropollutants in the Rhine River Riparian Countries. 2017, available at: <https://www.springer.com/gp/book/9783319556925>, [Accessed 10 February 2021].
- 6- Francis, F. (2013). What Is Governance. Center for Global Development. Available at: [https://www.cgdev.org/sites/default/files/1426906\\_file\\_Fukuyama\\_What\\_Is\\_Governance.pdf](https://www.cgdev.org/sites/default/files/1426906_file_Fukuyama_What_Is_Governance.pdf) [Accessed 20 february2021].
- 7- Haji Yousefi, Amir Mohammad & Talebi, Mohammad Ali. (2017). Obstacles of participation in the challenge between political culture & good governance from the perspective of managers of the Islamic Republic of Iran. Journal of Political Science, 12 (1), 7-40 [in Persian].
- 8- Hasrati, Mostafa. (2006). An introduction to the qualitative method of foundational data theorizing. Quarterly of Language & Linguistics, 2 (3), 75-86 [in Persian].
- 9- Hatami, Abbas & Noorbakhsh, Sosan (2019). Reconstructing the meaning of the water crisis in the east of Isfahan based on contextual theory. Quarterly of Applied Sociology, 30 (1), 123-142 [in Persian].
- 10- Hosseini Abri, Hossein. (1998). Traditional water management of Zayandehrud, a debate in Iranian indigenous knowledge. Quarterly of Faculty of Literature & Humanities of Isfahan University, 2 (15), 101-120 [in Persian].
- 11- Hufty, M. (2011). Investigating Policy Processes: The Governance Analytical Framework (GAF), Research for Sustainable Development: Foundations, Experiences, & Perspectives, Available at: [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2019005](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2019005), [Accessed 26 February 2021].
- 12- Institute on Governance (2021). Defining of Governance, Institute on Governance. Available at: <https://iog.ca/what-is-governance/>, [Accessed 25 February 2021].
- 13- Kabote, S. J. & Pius J. N. (2017). Water Governance in Tanzania: Performance of Governance Structures & Institutions. World Journal of Social Sciences & Humanities, 2017, Vol. 3, No. 1, 15-25
- 14- Khoshakhlag, Rahman, Ammarzadeh, Mostafa & Nuralizadeh, Leili. (2010). Estimating Long-Run Supply of Water in the River Basin of Zayandeh Rood. Journal of Agricultural Economics & Development, 8(30), 117-129 [in Persian].
- 15- Kiyani, Gholamhossein; Khoshakhlag, Rahman & Kamal, Mohammad Mahdi. (2019). Optimal allocation of Zayandeh River water resources between Chaharmahal & Bakhtiari, Isfahan & Yazd provinces using game theory. Quarterly Journal of Applied Economic Theory, 6 (3), 165-188 [in Persian].
- 16- Midari, Ahmed & Kheykhahan, Jafar. (2004). Good governance; The basis of development. Islamic Council Research Center [in Persian].
- 17- Ministry of Energy. (2011). National Document of Water Resources Development. Tehran: Water & Planning Office, Iran Water Resources Management Company. Available online at: [https://www.smrw.ir/uploaded\\_files/DCMS/Circulars\\_files/wrm\\_80204c\\_1460443939.pdf](https://www.smrw.ir/uploaded_files/DCMS/Circulars_files/wrm_80204c_1460443939.pdf) [in Persian].
- 18- Mirmezami, Seyed Jalaladdin & Bagheri, Ali. (2017). Evaluation of the water governance system in the process of protecting Iran's underground resources. Journal of Iran Water Resources Research Center, 13 (2), 32-55 [in Persian].
- 19- Mohammadjani, Ismail & Yazdani, Nazanin. (2014). Analysis of the water crisis situation in the country & its management requirements. Trend Quarterly, 21 (65 & 66), 117-144 [in Persian].
- 20- Mohammadpour, Ahmad. (2009). Quality assessment in qualitative research: principles & strategies of validation & generalizability. Social Science Quarterly, 48, 73-106 [in Persian].
- 21- Mohammadvali Samani, Jamal & Moridnejad, Ali. (2016). Comparative study & suggestions for improving the governance structure of water resources management in Iran. Islamic Council Research Center [in Persian].
- 22- Namazi, Mohammad. (2003). The role of qualitative research in humanities. Geography & Development Quarterly, University of Sistan & Baluchistan, 1 (1), 63-78 [in Persian].
- 23- Nargesian, Abbas & Jamali, Qasem-Ali. (2019). State of Transparency in Iran's Governmental Organizations. State Studies Quarterly, Faculty of Law & Political Sciences of Allameh Tabatabaie University, 5 (18), 209-244 [in Persian].
- 24- Nikoei, Alireza & Zibaie, Mansour. (2012). Water resources management & food security in Zayandeh Rood basin: Application of integrated analysis method of Zayandeh Rood watershed. Quarterly Journal of Agricultural Economics & Development, 26 (3), 183-196 [in Persian].
- 25- Pahl-Wostl Claudia. (2015). Water governance in the face of global change. Translated by Mehdi Ghorbani. Tehran: Tehran University Press [in Persian].
- 26- Pourkazemi, Mohammad Hossein & Vali, Masoumeh. (2014). Water resources management of Zayandehroud between industry & agriculture sectors of Isfahan province using game theory. Economic Modeling Research Quarterly of Khwarazmi University, 4 (15), 1-42 [in Persian].
- 27- Rezaian, Ali. (2005). Principles of organization & management. Tehran: SAMT Press, 7th edition [in Persian].
- 28- The World Bank. (2006). A decade of measuring the quality of governance. The World Bank, Washington, DC.
- 29- UN. (2000). Governance, Participation & Partnerships. (Available at: <http://www.un.org/cyberschoolbus/habitat/background/bg5.asp>), [Accessed 16 February 2021].
- 30- Vahid, Majid & Ekhvan, Saeed. (2017). A comparative study of the performance of the 8th & 9th administrations in the Islamic Republic of Iran with an emphasis on water resources policy: a case study of the water resources crisis in Isfahan province. Public Policy Quarterly, 3 (2), 193-216 [in Persian].
- 31- Yazdani-Zazrani, Mohammad Reza. (2012). Examining the conceptual relationship & the impact of governance on public policy. Researches in International Relations Quarterly, 1 (4), 109-142 [in Persian].